

اسپریم سالاری!

سلطنت‌طلبان از میانه اپوزیسیون برانداز و متنفر از جمهوری اسلامی کُ‌میک‌ترین و در عین حال رقت‌انگیزترین گروهی‌اند که قبل از فعالیت سیاسی مستحق روان درمانی کلینیکال‌اند!

فرقه‌ای که در قرن ۲۱ و در سپهر و فرآیند رشد و تَطَوُّر دانش و بینش بشری کماکان قائل به «اسپریم سالاری» است! و با این باور که: «احراز شانیت و احصای صلاحیت» و «مبنای حلول پادشاهی و استلزام جلوس بر مسند فرمانروائی» و «استحقاق خلعت صاحبقرانی» مَحُول به «اسپروما‌توزوئید» سلطان و انتقال بموقع آن «یاخته گداخته» به اعضاء و جوارح آن دَرْدانه و سلطان‌زاده بوده و با چنین پنداشت و باورداشتی «آستان‌بوس» و «یاخته‌دوست» نظام سلطنت می‌باشند!

کُ‌میک‌ترین بخش داستان آنجاست که فرقه مزبور مدعی است انقلاب اسلامی یک سناریوی آمریکائی بود و کاخ سفید در نشست گوادالوپ وقتی متوجه شد محمدرضا پهلوی می‌خواهد از آن به بعد «نفت را در اوپک گران کند» دستور عزل وی را دادند و این منوال نقطه آغاز زوال آن سلطان شد!

احتجاج سلطنت‌طلبان در حالی است که تا قبل از انقلاب اسلامی قیمت هر بشکه نفت تنها ۲ دلار بود و در ماجرای تحریم نفتی اعراب حداکثر به بشکه‌ای ۱۲ دلار رسید و سلطنت‌طلبان مزبور در الفبای احتجاج خود مانده‌اند که اگر شاه توسط آمریکا و به «جُرم تمایل به افزایش قیمت نفت» ساقط شد پس چرا از فردای تاسیس جمهوری اسلامی قیمت نفت نه تنها کاهش نیافت بلکه بشدت افزایش پیدا کرد و دیگر هرگز به بهای نازل زمان سلطنت اعلی‌حضرت‌شان نرسید!؟

حال بگذریم از این نکته که اساساً چرا شاه‌شان برآمده از فرآیندی بود که واشنگتن به راحتی می‌توانسته ماندن یا نماندن وی در قدرت را با یک نشست و برخاست در گوادالوپ عهده‌داری کند!؟

اما مهم‌تر آنکه سلطنت‌طلبان مزبور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شال و کلاه کردند و رحل اقامت در جوار همان ایالات متحده افکندند و ۴۰ سال هم هست که علی‌رغم تحفظ غیظ و نفرت‌شان از آمریکای بزعیم‌شان «شاه‌خوار» باز هم کاسه گدائی نزد واشنگتن گرفته و از کاخ سفید تکدی محبت و مطالبه شفقت بمنظور بازتولید سلطنت در ایران می‌نمایند!

(از سلسله مقالات اپوزیسیون شناسی)

#داریوش سجادی